

بررسی ارتباط خشونت خانگی با بلوغ زودرس دختران سطح اول متوسطه شهر شیراز

ژیلا عباسی^۱علیرضا خدای (نویسنده مسئول)^۲مجید رضا کریمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۵

چکیده

هدف: این پژوهش درصدد بررسی یکی از جنبه‌های این مسئله و بررسی مسائلی است که بر بلوغ زودرس دختران تأثیر گذاشته و سبب آسیب‌های جسمی و اجتماعی برای آنان شده است؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی خشونت خانوادگی با بلوغ زودرس دختران سطح اول متوسطه شهر شیراز می‌باشد. روش: پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد که به صورت پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه کلیه دانش‌آموزان دختران سطح اول متوسطه چهار ناحیه شیراز که محدوده سنی آن‌ها یازده تا دوازده ساله بوده‌اند؛ که طبق استعلام تعداد ۴۱۰۰ دانش‌آموز مشغول به تحصیل بودند و با توجه به حجم نمونه کوکران ۳۵۱ نفر به عنوان نمونه تحقیق در نظر گرفته شد. برای دستیابی به اهداف تحقیق از پرسش‌نامه اطلاعات فردی به منظور شناخت ویژگی‌های جمعیت شناختی، پرسش‌نامه پرسشنامه محقق ساخته که در بخش خشونت اجتماعی ۲۳ سؤال و در بخش بلوغ زودرس ۹ سؤال می‌باشد. روایی هر دو پرسشنامه به تأیید متخصصین رسید و پایایی آن‌ها در یک مطالعه مقدماتی با ۳۰ نفر آزمودنی مورد بررسی قرار گرفت و پایایی آن‌ها به ترتیب ۰/۸۹ برای خشونت خانگی و ۰/۸۸ برای بلوغ زودرس محاسبه شد. **نتایج:** نتایج نشان داد که بین متغیرهای تحقیق رابطه معناداری وجود دارد. نتایج همچنین نشان داد با توجه به ضریب همبستگی پیرسون بین متغیر خشونت خانگی و ابعاد آن با متغیر بلوغ جنسی زودرس رابطه معناداری وجود دارد ($\leq \text{Sig } 0/05$). متغیر خشونت بین والدین بر بلوغ جنسی زودرس برابر با مقدار ۰/۳۲ و در سطح ($\leq \text{Sig } 0/05$) معنادار است. نتیجه‌گیری: با این توجه لزوم محیط آرام و امن در منزل وجود کلاس‌های آموزشی و تربیتی و مشاوره به کودکان آسیب دیده میتوان با ایجاد محیط امن پیشگیری از بلوغ زودرس کرد.

کلمات کلیدی: بلوغ، زودرس، خشونت خانگی

^۱ دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران.

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران.

بلوغ دوره‌ای از زندگی انسان با پیامدهای جسمی، جنسی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. بلوغ از نظر زیست‌شناسی با تغییرات جسمی و جنسی، از دیدگاه روان‌شناسی با دگرگونی‌های روانی و روحی و از نگاه جامعه‌شناختی با مسئولیت‌های جدید اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی همراه است. بلوغ جسمی و جنسی با تغییرات غده هیپوتالاموس در دستگاه عصبی مرکزی، تحریک اعضای جنسی و ترشح هورمون‌های جنسی همراه است (رزاقی، ۱۳۸۱) (ضامنی و همکاران، ۱۳۹۶). بلوغ از دیدگاه جامعه‌شناسی اغلب به دوره‌ای از زندگی انسان بین ۱۲ تا ۱۸ سالگی اطلاق می‌شود. دوره‌ای که به همراه دوره «فرا بلوغ» مرحله مستقلی در زندگی انسان امروزی محسوب می‌شود (شفرز، ۱۴۰۰: ۱۴) (اسکوگ و همکاران، ۲۰۱۵) (فاستر و همکاران، ۲۰۰۴).

در سال‌های اخیر، شاهد بلوغ زودرس دختران در سن پایین هستیم که این مسئله، مسئولیت والدین و جامعه را درقبال دوران بلوغ دختران دوچندان می‌کند. از آنجاکه دختران در آینده، نقش بسیار مهم مادرشدن را عهده دار می‌شوند، بلوغ آن‌ها از حساسیت و اهمیت بیشتری نسبت به پسران برخوردار است. همچنین فوران احساسات در دختران در مقایسه با پسران، اهمیت توجه به بلوغ دختران را می‌رساند. والدین در دوران بلوغ، شاهد رفتارها و اعمالی از سوی دختران هستند که زمینه‌نگرانی آن‌ها را فراهم می‌کند. در این دوران، بین والدین و نوجوان، اختلاف‌های زیادی در زمینه‌های مختلف وجود دارد که سبب تنش بین آن‌ها می‌شود. دخترانی که در سن پایین سعی دارند رفتارها و اعمالشان را شبیه به بزرگ ترها کنند و گمان می‌کنند با بلوغ جسمی به بلوغ اجتماعی رسیده‌اند. آن‌ها خواهان استقلال در همه امور زندگی‌شان هستند و ددرسه‌های بسیاری را برای خانواده و جامعه به وجود می‌آورند و به انواع انحراف‌ها کشیده می‌شوند. درمقابل، دخترانی که از بلوغ زودرس واهمه دارند و این دوران را با هراس و استرس زیادی سپری می‌کنند، آسیب‌های شدیدی می‌بینند و سعی می‌کنند تغییرهای جسمانی خود را از دیگران مخفی کنند و کمتر در اجتماع حضور پیدا کنند. بدین ترتیب، منزوی و گوشه‌گیر می‌شوند. نبود آموزش صحیح و آشنایی دختران با مشکل‌ها و مسائلی که با بلوغ زودرس پیش روی آن‌ها قرار دارد، عوارض و مشکل‌های روانی، اجتماعی، جسمانی و... بسیاری را برای دختران و والدین آن‌ها به وجود می‌آورد که نتیجه آن، اختلال در جامعه پذیری و در نتیجه، انحراف‌های اجتماعی دختران در این دوران است. (شهناز صداقت زادگان). در واقع یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های زندگی دوره ی بلوغ است. بلوغ پدیده‌های طبیعی در روند تکاملی زندگی هر فرد است. دورانی که طی آن فرد شاهد انواع تغییرات جسمی و روان‌شناختی در وجود خود می‌شود. توسعه تغییرات فیزیکی مرتبط با بلوغ، زودتر از زمان معمول، تحت عنوان بلوغ زودرس شناخته می‌شود. ظهور این پدیده با ایجاد چالش‌های جدی برای فرد همراه است (غلامی، ۱۳۹۹). بلوغ برای رشد و نمو انسان مهم است (پری^۱، ۲۰۱۵). سن شروع بلوغ به عوامل مختلفی از ژنتیک، محیط جغرافیایی، رژیم غذایی و ترکیب چربی بدن بستگی دارد. در دختران افزایش توده چربی بدن در ۶ سال و در پسران در ۹/۵ سال افزایش می‌یابد (ینگ^۲، ۲۰۱۷)

بلوغ فرایند شگفتی است مشتمل بر یک‌رشته تغییرات هورمونی در بدن و مغز دختر است اگرچه بسیاری از مردم، بلوغ را دوره‌ای می‌دانند که با اولین قاعدگی دختر شروع می‌شود ولی این واژه ارتباط با کل توالی رشد دارد که منجر به بلوغ زایشی و بلوغ

^۱ Perry,

^۲ Ying

جنسیتی می‌گردد. نشانه‌های فیزیکی آن افزایش رشد، بزرگ شدن سینه، موهای زیر بغل و جاهای دیگر و بوی بدن است که در نتیجه ی فعال شدن غده‌های برون ریز در آن مناطق ظاهر می‌شود. اولین قاعدگی در پایان این فرایند صورت می‌گیرد (سلطانا^۳، ۲۰۲۲). بلوغ به معنای ظهور نوعی احساس ناامنی در عرصه احساسی و تجربه بدنی است. بلوغ جنسی جوانان در دوره معاصر بسیار زودتر از چند دهه پیش آغاز می‌شود، بنابراین مدت آن طولانی‌تر است، طولانی‌تر شدن این دوره تنها به معنای طولانی‌تر شدن دوره جوانی و سرخوشی نیست، بلکه به معنای کوشش برای کنار آمدن با هیجانات مخصوص این دوره نیز است. جوان باید پیاموزد چگونه در دوره بلوغ که اکنون طولانی‌تر نیز شده است با خود و دنیای اطراف کنار بیاید. در جامعه معاصر «بلوغ جسمی» آن اهمیت و معنا را ندارد که در جوامع قبلی داشت. رشد فرهنگی و اجتماعی نه تنها طولانی‌تر و پیچیده‌تر شده است، بلکه توسط پدیده‌ای به نام «بلوغ زودرس» دشوارتر نیز گردیده است. بلوغ زودرس ممکن است عواقب طولانی مدت از جمله قدکوتاه در بزرگسالی و همچنین مشکلات روانی اجتماعی داشته باشد (پالاولی^۴، ۲۰۱۸).

ترزه اسکوگ و همکاران (۲۰۱۵) بیان می‌کند که دخترانی که از نظر جنسی بالغ‌تر به نظر می‌رسند و از نظر جنسی فعال‌تر بودن ارتباط بین زمان به بلوغ رسیدن با آزار جنسی ارتباط برقرار وجود دارد؛ و دختران به صورت غیرمستقیم به علت ظاهر بالغ جنسی شان بیشتر از بقیه درگیر رفتارهای جنسی بودند. دخترانی که از نظر جنسی رشد طبیعی جنسی شان زود تر از همسالانشان اتفاق بیفتد نگران بودند؛ و این باعث مورد آزار جنسی قرار گرفتنشان شود. یافته‌های این پژوهش مفاهیمی را برای جلوگیری آزار و اذیت جنسی در بزرگسالی روشن می‌سازد. ترزه اسکوگ و همکاران (۲۰۱۴) اظهار داشت که مدل‌های اولیه بلوغ زودرس کلی هستند و به مکانیسم‌ها و شرایط رفتار زمینه‌ای توجه کمی‌کنند، درحالی‌که در مدل‌های جدید در شرایط بین فردی و شرایط رفتار زمینه‌ای متمرکز هستند. اخیراً رویکرد نظری - در حال ترکیب کردن جامعه‌پذیری همسالان و مدل‌های تقویت متن می‌باشد و به دنبال مشخص کردن مکانیسم‌های نظری درگیر در جامعه‌پذیری همسالان می‌باشد و پیوند بین بلوغ زودرس دختران و مشکلات رفتاری، از یک طرف و شرایطی رفتار زمینه‌ای که احتمالاً در جامعه‌پذیری همسالان از طرف دیگر رخ می‌دهد را توضیح می‌دهد. یافته‌های این مطالعه تجربی در سطح خرد و سطوح متن‌های خرد از این سازوکار رویکرد یکپارچه پشتیبانی می‌کند. مدل‌هایی که بیان می‌کند چگونه تأثیر بلوغ بر رفتار باید تأثیر آن را در رفتارهای اجتماعی نوجوانان تشخیص دهد و چندین مدل نظری از نظر روان‌شناختی و معنای اجتماعی بلوغ، ارتباط آن را با توسعه مشکل‌های رفتارهای مانند بزهکاری، استفاده از مواد و پیشرفت تحصیلی ضعیف؛ و... بررسی می‌کند در این مقاله، ما بر روی همگرایی و فرضیه‌های تقویت زمینه و یک ائتلاف از این دو در رابطه با چارچوب‌های نظری در مورد پیامدهای بلوغ برای توسعه مشکل‌های رفتاری متمرکز می‌باشد. کاویانی فر و همکارانش (۱۳۹۶) در پژوهشی را با عنوان عوامل پیدایش بلوغ زودرس در کودکان و تعیین راهکارهای پیشگیری از بلوغ زودرس به این نتیجه رسید که بلوغ مرحله‌ای از زندگی است که توأم با تحولات جسمی و روحی بارزی می‌باشد که نوجوان هنگام گذر از دوران کودکی به بزرگسالی آن را تجربه می‌کند. دوران بلوغ، دوران حکومت سرنوشت انسان است و این‌که کودک چگونه از آن دوره

^۳ Sultana

^۴ Pallavee

بگذرد به تمامی به نوع برخورد او با مراحل بلوغ بستگی ندارد بلکه نوع روابط والدین با او و تأثیری که بر ساختار زندگی او می‌گذراند دارای اهمیت زیاد است. کلید والدین برای تربیت مؤثر فرزندان در این دوره برابری و احترام متقابل است. اگرچه دوره بلوغ، مرز مشخصی از نظر سنی ندارد اما معمولاً سن بلوغ دختران از ۱۰ تا ۱۲ سالگی شروع و تا آخرین سال‌های دهه دوم زندگی که رشد جسمانی کم و بیش کامل می‌شود، ادامه می‌یابد. محسنی زاده و همکارانش (۱۳۹۶) پژوهشی را با عنوان تأثیر آموزش بهداشت دوران بلوغ بر آگاهی و سلامت عمومی دختران مقطع راهنمایی شهرستان قائن به این نتیجه رسیدند که اگرچه آموزش بهداشت دوران بلوغ نتوانست به‌طور معنی‌داری نمرات سلامت عمومی دانش‌آموزان را افزایش دهد، اما توانست تا حدی با افزایش آگاهی دانش‌آموزان در ارتقاء میانگین نمرات سلامت عمومی آن‌ها مؤثر باشد. افزایش سلامت عمومی نیازمند آموزش‌های مداوم و مکرر می‌باشد لذا ضروری است که مسئولین امر به خصوص پرستاران و یا مربیان بهداشت مدارس توجه هر چه بیشتر به این مسئله داشته تا از مشکلات دختران در این دوران کاسته شود.

- بلوغ و خشونت

- بهروزی و همکاران (۱۳۹۵)، پژوهشی تحت عنوان «رابطه علی خشونت فیزیکی و عاطفی والدین با مدیریت خشم و رفتارهای پرخاشگرانه کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای با میانجیگری رابطه والد-فرزند و همدلی» انجام دادند. اختلال نافرمانی مقابله‌ای یکی از شایع‌ترین اختلال‌های رفتار مخرب است. هدف از پژوهش مطالعه رابطه علی خشونت فیزیکی و عاطفی والدین با مدیریت خشم و رفتارهای پرخاشگرانه کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای با میانجیگری رابطه والد-فرزند و همدلی دانش‌آموزان بود. روش این پژوهش همبستگی از نوع تحلیل مسیر است. ۱۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر پایه سوم تا ششم دبستان دارای اختلال نافرمانی مقابله‌ای شهر اهواز به روش نمونه‌گیری تصادفی جمع مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل مقیاس درجه‌بندی اختلال نافرمانی مقابله‌ای کودکان هومر سون و همکاران، (۲۰۰۶) پرسشنامه کودک‌آزاری و ضربه برنستاین، (۱۹۹۵) مقیاس تاکتیک تعارض اشتراک، (۱۹۷۹) پرسشنامه رابطه والد و فرزند فاین و همکاران، (۱۹۸۳) مقیاس مدیریت هیجانی کودک زمان و همکاران، (۲۰۰۱) پرسشنامه همدلی بارون کوهن، (۲۰۰۳) مقیاس رفتار کودک لوله و پروفیل، (۱۹۹۶) و محاسبه مصاحبه بالینی ساختاریافته بود. یافته‌های این پژوهش نشان داد که خشونت عاطفی دارای اثر مستقیم و معناداری بر رفتار پرخاشگرانه و مدیریت خشم بود اما خشونت فیزیکی تنها دارای اثر مستقیم بر رفتار پرخاشگرانه بود همچنین همدلی و رابطه والد فرزند به عنوان واسطه بین خشونت فیزیکی و خشونت عاطفی با مدیریت خشم و رفتار پرخاشگرانه قرار گرفتند در نتیجه‌گیری این پژوهش اهمیت نوع رفتارهای

والدین و شناخت هر چه بیشتر علائم و چگونگی رویارویی درست با کودک مبتلا به نافرمانی مقابله‌ای را بهبود و نشانه‌های اختلال برجسته کرده است.

- پناهی و همکاران، (۱۳۹۳) پژوهشی تحت عنوان «تحت عنوان صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده و عوامل مؤثر بر آن» انجام دادند. این تحقیق به منظور بررسی میزان صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن انجام گرفته است. ابتدا بر اساس مباحث نظریه موجود صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده مفهوم‌سازی شده و با استفاده از مؤلفه‌هایی وضعیت آن بین اعضای خانواده موردسنجش قرار گرفته است. سپس اثر بعضی از عوامل شامل استقلال اعضای خانواده تأمین نیاز اعضای خانواده انسجام خانواده و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی اسلامی در خانواده بر آن مطالعه شده است این پژوهش به روش پیمایشی انجام شده است و جامعه آماری آن خانواده‌های تهرانی که حداقل ۵ سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته و حداقل دارای یک فرزند بوده‌اند. داده‌های تحقیق با استفاده از پرسشنامه از یک نمونه حدود ۴۰۰ خانواده جمع‌آوری شده که به‌طور تصادفی از بلوک‌های مناطق ۲۲ گانه شهر تهران انتخاب شده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد قوی‌ترین رابطه صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده با تأمین نیازهای خانواده از همچنین استقلال اعضای خانواده انسجام خانواده و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی اسلامی در خانواده از دیگر متغیرهایی هستند که رابطه معنادار و نسبتاً قوی با صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده دارد.

- خوشایبی و همکاران (۱۳۸۷)، پژوهشی تحت عنوان «میزان شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر تهران» انجام دادند. در این پژوهش از نوع توصیفی و نیز همه‌گیر شناسی است که بر روی ۱۵۳۰ دانش‌آموز دوره راهنمایی ۷۸۵ دانش‌آموز پسر و ۷۴۵ دانش‌آموز دختر با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و خوشه‌ای چند مرحله اجرا شده است. ابزار پژوهش یک پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی و پایایی آن در مرحله مقدماتی موردبررسی و تأیید قرار گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که شیوع آزار جسمانی خفیف ۳۸.۳ درصد آزار جسمانی شدید ۳۵/۹ درصد بی‌توجهی بیست و نیم درصد و آزار عاطفی ۶۲/۵ است. همچنین رابطه معناداری میان جنسیت دانش‌آموزان منطقه محل زندگی تحصیلات والدین شغل والدین و طلاق والدین با شیوع کودک‌آزاری وجود دارد نتایج این تحقیق نشان داد که می‌توان گفت شیوع کودک‌آزاری در حد بالایی است و این مسئله نیازمند توجه هرچه بیشتر مسئولان جهت پیشگیری از تبعات منفی کودک‌آزاری است.

کفاشی (۱۳۸۹)، در تحقیق تحت عنوان «آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان» انجام دادند. هدف این پژوهش شناخت عوامل تأثیرگذار شامل شاخص‌های نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان ساکن در شهر یزد و دستیابی به یک الگوی نظری تحلیلی است که با استعانت از نظریه‌های مرتبط، عوامل مهم و اثرگذار مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهشگر با طرح این پرسش که شاخص‌های نظم و تضاد خانواده چه تأثیری بر خشونت علیه کودکان دارد، به تحلیل و تبیین موضوع پژوهش پرداخته است. روش این پژوهش پیمایشی بوده است. نمونه مورد مطالعه ۳۸۴ نفر از کودکان ساکن در شهر یزد و ۳۸۴ نفر از والدین آنهاست. نمونه مورد مطالعه با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و در نهایت با استفاده از روش تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. از آنجاکه مقدار شاخص نیکویی برازش مدل نظری پژوهش برابر $0/93$ است می‌توان بیان کرد که این مدل، برازش قابل قبولی با واقعیت دارد. میزان ضریب به دست آمده به میزان $0/69$ بیانگر اثر مستقیم تضاد در خانواده بر خشونت علیه کودکان است. مهم‌ترین معرف‌های تضاد به ترتیب اهمیت، تضاد با همسر، تضاد با کودک و انتقاد از همسر است. همچنین میزان ضریب به دست آمده بیانگر اثر معکوس نظم در خانواده بر خشونت علیه کودکان به میزان $0/52$ - است؛ به عبارت دیگر، نظم در خانواده اثر کاهنده و مؤثری روی خشونت علیه کودکان دارد. معرف‌های نظم در خانواده به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از همدلی، همگامی، همفکری و هم‌بختی. مهم‌ترین معرف‌های خشونت به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از کتک زدن، تهدید کردن و کم‌محبوبی، توهین کردن و محروم کردن از بازی، بی‌اعتنایی و پول ندادن، هل دادن و مسخره کردن در حضور جمع، وادار کردن به کار به رغم میل کودک، داد زدن و اخراج کردن کودک. فرمانده و همکاران (۱۳۹۶)، پژوهشی تحت عنوان «مشکلات عاطفی و نیازهای اساسی روان‌شناختی در بین والدین کودک‌آزار و والدین عادی کودک‌آزاری» انجام دادند. در این پژوهش که به بررسی کودک‌آزاری پرداخته است کودک‌آزاری را این‌چنین تعریف کرده‌اند که هرگونه آسیب جسمانی جسمی عاطفی و رفتارهای خشونت‌آمیز به کودک توسط فردی است که مسئولیت سلامت کودک را بر عهده دارد. در این پژوهش مقایسه مشکلات عاطفی و نیازهای اساسی روان‌شناختی بین والدین کودک‌آزار و والدین عادی بود. این پژوهش علی‌مقایسه‌ای بود و شرکت‌کنندگان تعداد ۵۰ والد کودک‌آزار و ۵۰ والد غیر آزار گر بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس از میان والدین کودک‌آزار و غیر آزار گر در تهران انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های مشکلات عاطفی و نیازهای اساسی روان‌شناختی دسی و ریان بودند. یافته‌های به دست آمده

آزمون تحلیل واریانس چند متغیری در این تحقیق نشان داد که سطح افسردگی اضطراب و استرس و نیازهای خودمختاری وابستگی و ارتباط بین والدین کودک آزار و والدین عادی به طور معناداری متفاوت بودند یافته‌های این پژوهش شواهدی را پیشنهاد کردند که مشکلات عاطفی و نیازهای روان‌شناختی والدین در بروز پدیده کودک‌آزاری والدین نقش دارند؛ بنابراین به منظور پیشگیری از بروز رفتارهای کودک‌آزاری والدین با انجام برنامه‌های روانی-آموزشی زمینه درمان مشکلات عاطفی و تعدیل سازی نیازهای روان‌شناختی والدین فراهم می‌شود. نصیری و همکاران (۱۳۸۱)، «تحقیقی تحت عنوان بررسی مقایسه‌ای مشکلات ارتباطی نوجوانان با والدین از دیدگاه نوجوانان و والدین در دبیرستان‌های منتخب دولتی شهر اصفهان» انجام دادند. داشتن رابطه خوب با والدین، برای همه به خصوص نوجوانان بسیار حائز اهمیت است. بسیاری از مشکلاتی که در دوره نوجوانی برای خانواده و نوجوان پیش می‌آید، ناشی از عدم وجود ارتباط بازرین والدین و نوجوان است. هدف از انجام این مطالعه بررسی و مقایسه مشکلات ارتباطی نوجوانان با والدین از دیدگاه آنان بوده است. این پژوهش، مطالعه‌ای توصیفی تحلیلی و از نظر زمانی مقطعی است که در دبیرستان‌های دولتی شهر اصفهان انجام گرفته است. در این پژوهش تعداد ۴۱۵ نفر از نوجوانان دختر و پسر و ۲۳۰ مورد از والدین آن‌ها به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و مشکلات ارتباطی نوجوانان با والدینشان از دیدگاه نوجوانان و والدین مورد بررسی قرار گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود. بررسی و تجزیه و تحلیل‌های آماری نشان داد که بین دیدگاه‌های نوجوانان و والدین در رابطه با مشکلات ارتباطی نوجوانان و والدین در زمینه‌های استقلال‌طلبی، بلوغ جنسی و کسب شخصیت نوجوانان اختلاف معنی‌داری وجود داشت. نتایج پژوهش حاکی از تأثیر ارتباط سالم نوجوانان با والدین در زمینه‌های استقلال‌طلبی، بلوغ جنسی و کسب شخصیت، تضمین بهداشت روانی و کسب هویت نوجوان بود. سالم‌ترین راه برای رسیدن به موارد فوق این است که روابط نوجوانان با والدین دائمی و صمیمی باشد. لذا به مسئولین بهداشت روانی و سیاسی اجتماعی جامعه پیشنهاد می‌گردد که به ارتباط در خانواده‌ها به خصوص در خانواده‌هایی که دارای فرزند نوجوان هستند، به عنوان یک تکنیک فراگیر و مهم در جهت پیشگیری اولیه بنگرند و نحوه ارتباط خانوادگی سالم را آموزش دهند. چلبی و همکاران (۱۳۸۱) و همکاران پژوهشی را تحت عنوان «آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان» انجام دادند در این پژوهش که بر به روش پیمایشی بر روی ۳۰۰ خانواده تهرانی انجام گرفته است برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون چند متغیره و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است دسته

بندی های مختلفی از خشونت علیه کودکان را با توجه به شکل خشونت آن را دسته بندی کرد خشونت جسمانی، خشونت عاطفی، خشونت جنسی، بی توجهی انجام داده محقق از چندمدل برای به تصویر کشیدن خشونت علیه کودکان استفاده کرده است. از مدل انتقالی و مدل شناختی رفتاری در توضیح کاری خود استفاده کرده است که در مدل انتقالی توضیح این مطلب که چگونه تضاد والدین- فرزندان شدیدتر می شود را مطرح می کند در این مدل استرس عنصری قلمداد می شود که احتمال تضاد در خانواده را شدیدتر می کند و عدم توانایی والدین در مواجهه شدن با فشارهای زندگی باعث خشونت علیه کودکان میشود. دوم مدل شناختی رفتاری از توت تی من و همکارانش این موضوع را مطرح کرده است عناصر کلیدی این مدل عبارتند از توقعات بیجای والدین از کودکان و دادن نسبت های بی جا به کودکان این مدل عوامل خشونت را در شناخت ها و ارزیابی های والدین جستجو می کند مدل سی چتی و رایزلی که به مدل تبدیلی معروف است به عوامل مشارکت کننده و هم به عوامل حفاظتی اشاره می کند این مدل به دو بعد طبقه بندی می شود بعد اول دو نوع اصلی تاثیر بر احتمال خشونت را نشان می دهد که این بود شامل عوامل مستعد ساز و اما عوامل جبرانی است بعد دوم تداوم و پایداری اثر را نشان می دهد که عبارت است از ناپایدار یا پایدار بودن. اثر شرایط مستعد ساز و جبرانی با ترکیب با شرایط ناپایدار و پایدار سبب بروز خشونت یا جلوگیری از خشونت می شوند تصور می شود که این چهار عامل در فرد خانواده و جامعه وجود داشته باشند در ساده ترین کاربرد این مدل پیش بینی می شود خشونت علیه کودکان زمانی اتفاق می افتد که شرایط مستعد ساز بر شرایط جبرانی برتری یابد در نتیجه یافته نشان داد که متغیر نظم و تضاد در خانواده به ترتیب اهمیت اثرات موثر و معناداری بر خشونت علیه کودکان در خانواده ها دارد.

- جدول خلاصه تحقیقات پیشین خشونت خانگی

ردیف	نام محقق	عنوان پژوهش	عمده ترین نتایج
۱	بهروزی و همکاران (۱۳۹۵)	رابطه علی خشونت فیزیکی و عاطفی والدین با مدیریت خشم و رفتارهای پرخاشگرانه کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله ای با میانجیگری رابطه والد-فرزند و همدلی	خشونت عاطفی دارای اثر مستقیم و معناداری بر رفتار پرخاشگرانه و مدیریت خشم بود اما خشونت فیزیکی تنها دارای اثر مستقیم بر

<p>رفتار پرخاشگرانه بود همچنین همدلی و رابطه والد فرزند به عنوان واسطه بین خشونت فیزیکی و خشونت عاطفی با مدیریت خشم و رفتار پرخاشگرانه قرار گرفتند.</p>			
<p>قوی‌ترین رابطه صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده با تأمین نیازهای خانواده از همچنین استقلال اعضای خانواده انسجام خانواده و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی اسلامی در خانواده از دیگر متغیرهایی هستند که رابطه معنادار و نسبتاً قوی با صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده دارد.</p>	<p>تحت عنوان صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده و عوامل مؤثر بر آن</p>	<p>پناهی و همکاران، (۱۳۹۳)</p>	
<p>آزار عاطفی نسبت به آزار جسمی بیشتر اتفاق افتاده و رابطه معناداری میان جنسیت دانش‌آموزان منطقه محل زندگی تحصیلات والدین شغل والدین و طلاق</p>	<p>میزان شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر تهران</p>	<p>خوشابی و همکاران (۱۳۸۷)</p>	

والدین با شیوع کودک‌آزاری وجود دارد			
<p>نظم در خانواده اثر کاهنده و مؤثری روی خشونت علیه کودکان دارد. معرف‌های نظم در خانواده به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از همدلی، همگامی، همفکری و هم‌بختی. مهم‌ترین معرف‌های خشونت به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از کتک زدن، تهدید کردن و کم‌مجبئی، توهین کردن و محروم کردن از بازی، بی‌اعتنایی و پول ندادن، هل دادن و مسخره کردن در حضور جمع، وادار کردن به کار به رغم میل کودک، داد زدن و اخراج کردن کودک.</p>	<p>آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان</p>	<p>کفاشی (۱۳۸۹)</p>	
<p>سطح افسردگی اضطراب و استرس و نیازهای خودمختاری وابستگی و ارتباط بین والدین کودک‌آزار و والدین عادی به‌طور معناداری متفاوت بودند</p>	<p>مشکلات عاطفی و نیازهای اساسی روان‌شناختی در بین والدین کودک‌آزار و والدین عادی کودک‌آزاری</p>	<p>فرمانده و همکاران (۱۳۹۶)</p>	

یافته‌های این پژوهش شواهدی را پیشنهاد کردند که مشکلات عاطفی و نیازهای روان‌شناختی والدین در بروز پدیده کودک‌آزاری والدین نقش دارند			
متغیر نظم و تضاد در خانواده به ترتیب اهمیت اثرات مؤثر و معناداری بر خشونت علیه کودکان در خانواده‌ها دارند.	آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان	چلبی و همکاران، (۱۳۸۱)	
بین دیدگاه‌های نوجوانان و والدین در رابطه با مشکلات ارتباطی نوجوانان و والدین در زمینه‌های استقلال‌طلبی، بلوغ جنسی و کسب شخصیت نوجوانان اختلاف معنی‌داری وجود داشت	تحقیقی تحت عنوان بررسی مقایسه‌ای مشکلات ارتباطی نوجوانان با والدین از دیدگاه نوجوانان و والدین در دبیرستان‌های منتخب دولتی شهر اصفهان	نصیری و همکاران (۱۳۸۱)	

نظریه خشونت

- در حالی که بسیاری از روانشناسان جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان نگرانی عمیقی نسبت به افزایش خشونت در خیابان‌ها و اماکن عمومی دارند، احتمال مورد ضرب و شتم قرار گرفتن یک فرد در خانواده به مراتب بیشتر از بیرون خانواده است. خشونت علیه زنان و دختران به معنای هر نوع رفتار خشونت‌آمیز وابسته به جنسیت است که موجب آسیب شده یا احتمالاً منجر به آسیب‌های جسمی و جنسی و روانی و غیر می‌شود. خشونت خانوادگی را می‌توان مجموعه‌ای از رفتارها معرفی کرد که فرد برای کنترل رفتارها و احساسات فرد دیگر به آنها متوسل می‌شوند برای مثال ابزار رفتارهای حسادت گونه افراطی و ایجاد رعب و وحشت در دیگری که موجبات انزوا و تنهایی قربانی را فراهم می‌آورد و باعث می‌گردد تا فرد متخصص در موضع کنترل دیگر افراد در خانواده باقی بماند. با ارائه تعریف جامع و کامل از خشونت خانوادگی آن را از عبارت از رفتارهای هجومی و سرکوبگرانه از جمله حملات فیزیکی و جسمی و جنسی و روانی و همچنین اعمال فشار اقتصادی

توسط هر فرد بالغ و جوان نسبت به فردی که با او در ارتباط نزدیک و تنگاتنگ دارد می‌داند. (پور نقاش تهرانی، ۱۳۸۴: ۲۴) شکتر، گنلی (۱۹۹۵). قربانیان خشونت خانوادگی که اکثریت قریب به اتفاق آنها زنان و دختران هستند اغلب مورد تهدید های جانی تجاوز جنسی و محرومیت اقتصادی قرار می‌گیرد و به کودکان و متعلقات آنها صدمات زیادی وارد می‌شود. (پور نقاش تهرانی، ۱۳۸۴: ۲۴). خشونت خانوادگی مخصوص جامعه یا طبقه خاصی نیست تا حدود سه دهه قبل جامعه شناسان خشونت در خانواده را امری استثنایی قلمداد می‌کردند و آن را خواست خانواده هایی میدانستند که دارای مشکلات مادی سطح پایین فرهنگ و شرایط بحرانی مانند طلاق بودند اما نتایج تحقیقات و مشاهدات برخلاف تصور رایج نشان داد که خشونت در همه خانواده ها به اشکال مختلف وجود دارد و معمولاً قربانیان اصلی آنان را زنان و دختران و به اشکال مختلف کودکان به صورت کودک آزاری را تشکیل میدهد (اعزازی، ۱۳۸۰: ۱۸۳). با توجه به اینکه خشونت در درون خانواده واقعیت تلخ و آزاردهنده‌ای است، که هر روز بر دامنه و وسعت آن افزوده می‌شود و امروزه در اوایل قرن بیست و دوم علیرغم پیشرفت‌های چشمگیر انسان در حوزه‌های مختلف هنوز در بسیاری از جوامع و خانواده ها را به جهنمی تبدیل کرده است که آتش دشمنی خشم کینه و انتقام در آن هر لحظه شعله ور تر می‌گردد خشونت علیه زنان یا دختران یا کودکان رفتاری آزاردهنده است که معمولاً توسط اعضای بزرگتر و ذکور خانواده در محیط خلوت خانواده و بدور از چشمان افراد جامعه اغلب به صورت پنهانی به وقوع می‌پیوندد. که با به جای گذاردن عوارض جسمی و روانی در فرد آزار دیده باعث تبعات جبران ناپذیر اجتماعی می‌گردد. خشونت علیه دختران و زنان و کودکان در خانواده ممکن است به صورت جسمی (ضرب و شتم) یا سوء رفتار روانی (تحقیر و تمسخر دائمی و فحاشی مکرر و ...) یا اجتماعی (ممنوعیت ملاقات با دوستان و خویشان حبس کردن در خانه) و یا اقتصادی مثل (ندادن پول توجیبی و هزینه کلاس) و یا جنسی رخ دهد (آقاجانی، ۱۳۸۱: ۴۳).

خشونت در خانواده و بین اعضای خانواده می‌تواند بیانگر این امر باشد که فرزندان در خانواده ای با میزان خشونت نسبتاً بالا به دارای مشکلات و ناهنجاری های رفتاری مانند منزوی گری پر خاشگری افسردگی بی‌اعتنایی نسبت به دیگران افت تحصیلی تا رفتارهای نابهنجار مانند دزدی اعزام به کانون اصلاح و تربیت اعتیاد خرید و فروش مواد مخدر و از لحاظ احساسی نسبت به والدین خود و به لحاظ جسمی با پدیده بلوغ زود رس مواجهه شوند. (اعزازی، ۱۳۸۳: ۲۸).

نظریه منابع و خشونت

- نظریه منابع یکی از اولین نظریه‌هایی بود که در حوزه خشونت خانوادگی به کوشش ویلیام گود مطرح گردید. بر پایه این نظریه، نظام خانواده مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگری، دارای نظام اقتداری است و هر کس که به منابع مهم خانواده بیشتر از دیگران دسترسی دارد، می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در جهت امیال خود وا دارد. از نظر گود تمام نظام‌های اجتماعی تا اندازه‌ای به روز و قدرت وابسته هستند. خشونت و تهدید برای سازمان نظام‌های اجتماعی که خانواده نیز جزئی از آن است ضروری است. او خاطر نشان می‌کند که خشونت منبعی، مثل پول و صفات فردی است که می‌تواند برای جلوگیری از اعمال ناخواسته یا اعمال رفتارهای مورد نظر به کار رود. هر چه منابع در دسترس افراد بیش تر باشد توانایی فرد برای استفاده از قدرت بیشتر می‌شود. بنابراین احتمال کمتری می‌رود که از خشونت استفاده کند. خشونت بایستی به عنوان یک منبع غایی در نظر گرفته شود زیرا زمانی از آن استفاده می‌شود که سایر منابع در رسیدن به اهداف مورد نظر ناکافی اند. گود می‌گوید که افراد بسیار قدرتمند خانواده، کمتر از دیگران به اعمال قدرت از طریق خشونت بدنی دست می‌زنند، زیرا منابع متعدد دیگری دارند که از طریق آنها قادر به اعمال قدرت اند. اما در میان افرادی که دارای ضعف اجتماعی-اقتصادی هستند، تنها منبع قدرت، زور بدنی و استفاده از آن است. (گود، ۱۳۵۲: ۱۰۹)

نظریه ناسازگاری پایگاهی و خشونت

- این نظریه نیز رابطه بین قدرت و پرخاشگری را مفهوم سازی می‌کند. ناسازگاری پایگاهی برای شخصی به کار می‌رود که رتبه بالایی در سلسله مراتب پایگاهی در بعضی زمینه‌ها (برای مثال آموزش) و رتبه پایینی در دیگر زمینه‌ها (مانند درآمد) دارد. این نظریه بر آن است که ناسازگاری پایگاهی به یک وضعیت بحرانی منجر می‌شود. وقتی که چنین شخصی با دیگران کنش متقابل دارد تمایل فرد برای ارزیابی خود بر طبق سلسله مراتب پایین تر ارزیابی نمایند. این ناسازگاری به استرس و عدم رضایت منجر خواهد شد، که به نوبه خود به توسعه رفتار و نگرش ضد اجتماعی منجر خواهد شد. در وضعیت خانوادگی مردان ممکن است به طور سنتی دارای پایگاه انتسابی بالاتر باشند، ولی پایگاه اکتسابی شان در زمینه‌هایی از قبیل آموزش، درآمد و یا شغل ممکن است پایین تر باشد. ابراین معتقد است که ناسازگاری پایگاهی ممکن است به خشونت خانوادگی منجر شود وقتی شوهر احساس کند که پایگاه سنتی اش بوسیله یک زن با تحصیلات عالی مورد تهدید واقع شده، به خشونت جهت حفظ سلطه متوسل می‌شود.

- در نظریه فمینیستی آراء همگنی مشاهده نمی شود و غالباً مشتمل بر دیدگاه های متناقض است. علی رغم این تنوع و کشمکش، فمینیست ها مفروضاتی اساسی در باب جایگاه زنان در جامعه غربی دارند. اصلی ترین مضمون این جنبش این است که جامعه بر مبنای پدرسالاری ساختار یافته است. در نظم اجتماعی پدرسالارانه، مردان از طریق سلطه بر زنان و انحصار نهادهای اجتماعی موقعیت برتری نسبت به زنان پیدا کرده اند و فرمان برداری زنان از طریق مردان و نهادهای مسلط مردانه نهادینه شده است. فمینیست ها در تبیین تقسیم کاملاً جنسیتی قدرت، به ریشه های تاریخی این نابرابری ها در جامعه معاصر پرداخته و به آن شرایط اجتماعی و سیاسی تأکید دارند، که در آن خشونت مردان بروز می کند و بر روابط زنان و مردان تأثیر می گذارد. اگر چه ورژن های لیبرال، سوسیالیست و مارکسیست نظریه های فمینیستی در خصوص منشاء پدرسالاری و نحوه استمرار و بقای آن و چگونگی از بین بردن آن اتفاق نظر ندارند اما همه آن ها بر این عقیده اند که پدرسالاری پایه های ایدئولوژیکی و ساختاری خشونت علیه زنان را فراهم می آورد از نظر اکثر فمینیست ها خشونت علیه زنان تنها در متن اجتماعی که زنان را به صورت فرمانبردار مردان تعریف می کند، صورت می گیرد.

نظریه یادگیری اجتماعی و خشونت

- بر طبق این دیدگاه، رفتار از طریق تقلید (تقلید رفتار اعضای خانواده یا دیگران) و هم از طریق تجربه های مستقیم فرا گرفته می شود. بندورا ادعا می کند که رفتار مورد مشاهده با رفتار تجربه شده از نظر شناخت مورد بررسی قرار می گیرد. اگر ارائه این رفتار در محیطی باعث بر طرف کردن نیاز برای رسیدن به هدفی گردد، احتمال بروز آن حتی بدون وجود پاداش خارجی هم زیاد خواهد بود. بخصوص اگر این رفتار را الگویی ارائه دهد که برای مشاهده گر ارزش و اهمیت داشته، پایگاه اجتماعی بالایی نیز داشته باشد. این نظریه بر رفتار و یادگیری آن در دوره کودکی تأکید می کند. از دید نظریه یادگیری اجتماعی، افراد با تمایلات خشن متولد نمی شوند. آن ها این تمایلات را از خلال محیط و مشاهدات زندگی می آموزند. وقتی اعمال تهاجمی نتایجی مطابق میل به همراه دارد، خشونت به وسیله ای مقبول برای نیل به هدف تبدیل می گردد. از دید بندورا، هم زن و هم شوهر در معرض خشونت خانوادگی قرار می گیرند و کاربرد آن را در حل مشکلات خانوادگی می آموزند. آن ها یاد می گیرند که خشونت وسیله ای مشروع برای برآورده ساختن نیازهاست.

- در هر جامعه، خرده فرهنگ های گوناگونی وجود دارد که در آنها، رفتار خشونت آمیز به صورت هنجارهای دستوری دیده می شود. در این خرده فرهنگ ها، افراد از بدو تولد با خشونت فیزیکی آشنا می شوند و وقتی پسران در حین بازی به خشونت متوسل می شوند، مورد تشویق قرار می گیرند و حتی چنین رفتاری از آنها درخواست می گردد. در چنین خرده فرهنگی، خشونت بدنی نوعی کنش متقابل میان افراد به شمار می آید و الگویی است که اغلب برای حل مشکل از آن استفاده می شود. به علاوه محرک هایی که باعث بروز رفتار خشونت آمیز می شوند، برای افراد آشنا هستند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می شوند. هر اندازه فرد بیشتر از ارزش ها و هنجارها پیروی می کند، جایگزین دیگری در برابر خشونت نخواهد یافت. به نظر برخی اندیشمندان تفاوت های فرهنگی از دلایل بروز خشونت در خانواده است. در طبقات پایین اجتماع و برخی گروه های قومی، هنجارهای فرهنگی وجود دارد که اعمال خشونت را تسهیل، و حتی مشروع می کند. بعبارت دیگر خرده فرهنگ حاکم در جامعه مدرن، مردانه تر و به گونه ای است که حتی واکنش خشونت آمیز نسبت به جزئی ترین مسایل را نیز توجیه می کند البته واکنش همه افراد یک گروه قومی و یا اجتماعی یکسان نیست و حتی تأثیر عوامل روانی — فردی متفاوت است

کنترل اجتماعی و خشونت

- جنایت و رفتار نابهنجار تمایل دارد، جامعه باید مکانیسم نظارت بر آن ها را به وجود آورد. گلس و اشتراوس بیان کرده اند که "هم زمان با بالا رفتن دیوارهای یک خانه و جدا شدن آن از سایر خانه ها، کتک شروع می شود". در محدوده خصوصی خانه، نگرش های اجتماعی به خشونت، حقوق، وظایف زن و شوهر نسبت به یکدیگر و والدین به فرزندان، رنگ می بازد و امکان نظارت اجتماعی از جامعه گرفته می شود. در نتیجه، نگرشی که در خانواده بوجود می آید، به این صورت است مرد قدرت اجرایی مشروع به دست می آورد و زنان و کودکان سبب تحریک او به ارائه رفتار خشونت آمیز می شوند. در اثر این نگرش، تشابه رفتار خشونت آمیز در خانواده جزئی از روابط خانوادگی می شود. به علاوه، امکان برقراری ارتباط با محیط خارج از خانواده نیز وجود ندارد. به طور معمول، مردان دارای امکانات متعددی برای نظارت بر زنان هستند. و این امر باعث نوعی خشونت در خانواده به گونه ای توجیه یافته می گردد.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی می‌باشد که به صورت پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه کلیه دانش‌آموزان دختران سطح اول متوسطه چهار ناحیه شیراز که محدوده سنی آن‌ها یازده تا دوازده‌ساله بوده‌اند؛ که طبق استعلام تعداد ۴۱۰۰ دانش‌آموز مشغول به تحصیل بودند و با توجه به حجم نمونه کوکران ۳۵۱ نفر به عنوان نمونه تحقیق در نظر گرفته شد.

برای دستیابی به اهداف تحقیق از پرسش‌نامه اطلاعات فردی به منظور شناخت ویژگی‌های جمعیت شناختی، پرسش‌نامه پرسشنامه محقق ساخته که در بخش خشونت خانگی ۲۳ سؤال و در بخش بوغ زودرس ۹ سؤال می‌باشد. روایی هر دو پرسشنامه به تأیید متخصصین رسید و پایایی آن‌ها در یک مطالعه مقدماتی با ۳۰ نفر آزمودنی مورد بررسی قرار گرفت و پایایی آن‌ها به ترتیب ۰/۸۹ برای خشونت خانگی و ۰/۸۸ برای بلوغ زودرس محاسبه شد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده گردید. از ضریب همبستگی پیرسون برای تهیه ماتریس بین متغیرهای اصلی پژوهش و از رگرسیون برای آزمون فرضیه‌ها استفاده گردیده است. محاسبات آماری تحقیق حاضر با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت و سطح معناداری برای تمام آزمون‌ها سطح ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

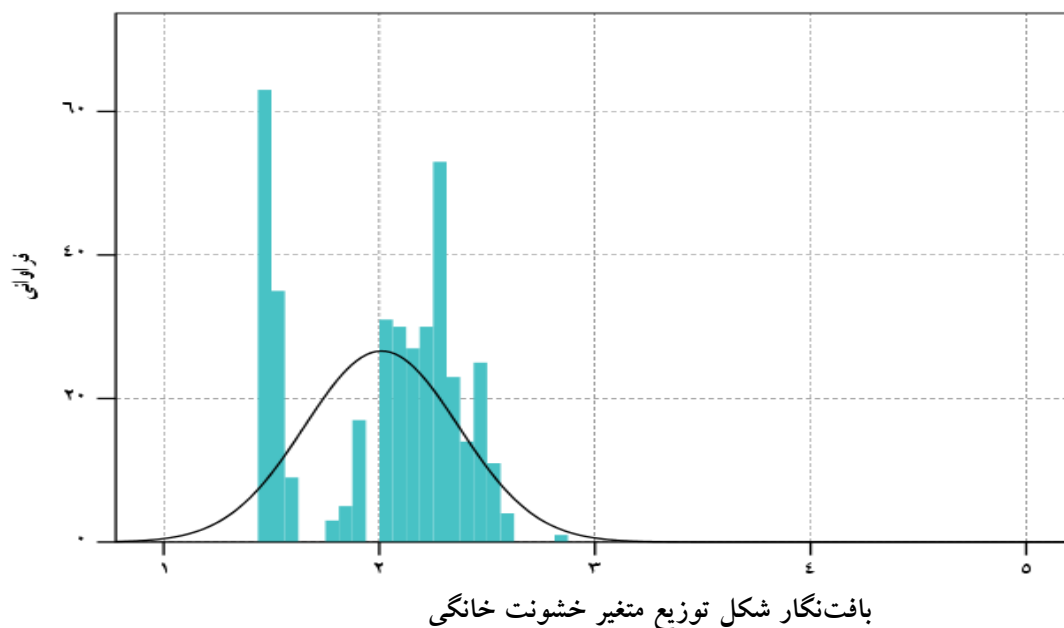
یافته‌های پژوهش

توزیع نمونه آماری پژوهش بر حسب متغیر سن بیانگر این است ۳۱/۵ درصد از آن‌ها یازده‌ساله و ۶۸/۵ درصد دوازده‌ساله بودند. میزان تحصیلات پدر ۳۵ درصد از نمونه آماری پایین‌تر از لیسانس و ۶۵ درصد لیسانس و بالاتر است. این در حالی است که میزان تحصیلات مادر ۵۵ درصد از نمونه آماری پایین‌تر از لیسانس و ۴۵ درصد لیسانس و بالاتر است.

توصیف متغیر خشونت خانگی با استفاده از شاخص‌های توصیفی

متغیر	شاخص			
	میانگین	انحراف معیار	واریانس	کجی
خشونت خانگی	۲/۰۱	۰/۳۶	۰/۱۳	-۰/۳۷
خشونت بین والدین	۲	۰/۳۹	۰/۱۵	-۰/۴۶
خشونت علیه فرزندان	۲	۰/۵۷	۰/۳۲	۰/۸۴

مقادیر جدول بالا بیانگر این است: الف. میانگین متغیر خشونت خانگی و ابعاد آن در بین نمونه آماری پژوهش پایین‌تر از حد متوسط (۳) برآورد شده است. ب. مقادیر مربوط به شاخص‌های پراکندگی (انحراف معیار و واریانس) نشان دهنده‌ی پراکندگی در حد معمول داده‌های مربوط به این متغیر و ابعاد آن از شاخص میانگین در بین نمونه آماری است. ج. مقادیر مربوط به شاخص‌های شکل توزیع (کجی و کشیدگی) گویای تمایل شکل توزیع داده‌های مربوط به این متغیر و ابعاد آن به سمت توزیع نرمال است.



برآورد مقادیر ضریب همبستگی رابطه‌ی متغیر خشونت خانگی و بلوغ جنسی زودرس

متغیر	بلوغ زودرس	
	ضریب همبستگی	Sig
خشونت خانگی	۰/۲۳	۰/۰۰۱
خشونت بین والدین	۰/۳۲	۰/۰۰۱
خشونت علیه فرزندان	۰/۲۴	۰/۰۰۱

مقادیر ضریب همبستگی پیرسون در جدول بالا نشان دهنده این است بین متغیر خشونت خانگی و ابعاد آن با متغیر بلوغ جنسی زودرس رابطه معناداری وجود دارد ($\text{Sig} \leq 0/05$). با توجه به مقادیر ضریب پیرسون رابطه خشونت خانگی و ابعاد آن با متغیر بلوغ جنسی زودرس مستقیم و در حد ضعیف برآورد شده است.

خشونت خانگی بر بلوغ جنسی زودرس دختران تأثیر دارد.

برای آزمون فرضیه بالا از رگرسیون خطی استفاده گردید، برآوردهای مربوط به تحلیل رگرسیون در جدول زیر گزارش شده است:

برآورد رگرسیون اثر خشونت خانگی بر بلوغ جنسی زودرس

مدل	R	ضریب تعیین		خطای معیار
		ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	
	۰/۲۳	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۳۰
رگرسیون باقیمانده کل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F
	۱/۹۵	۱	۱/۹۵	
	۳۵/۳۶	۳۹۷	۰/۰۹	۲۱/۹۵
	۳۷/۳۱	۳۹۸	-	۰/۰۰۱
مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	
	B	خطای معیار	Beta	T
مقدار ثابت	۳/۳۷	۰/۰۶	-	۵۸/۷۲
خشونت خانگی	۰/۱۲	۰/۰۳	۰/۲۳	۴/۶۸
				۰/۰۰۱

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: الف. متغیر خشونت خانگی ۵ درصد از واریانس متغیر بلوغ جنسی زودرس را تبیین می‌کنند. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار ضعیف برآورد می‌شود، به عبارت دیگر این متغیر در حد ضعیف توان تبیین واریانس متغیر بلوغ جنسی زودرس را دارد. ب. اثر متغیر خشونت خانگی بر بلوغ جنسی زودرس برابر با مقدار ۰/۲۳ و در سطح ($Sig \leq 0/05$) معنادار است. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اثر متغیر خشونت خانگی بر بلوغ جنسی زودرس تأیید می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر می‌توان گفت اثر این متغیر مستقیم و در حد ضعیف است.

خشونت بین والدین بر بلوغ جنسی زودرس دختران تأثیر دارد.

برای آزمون فرضیه بالا از رگرسیون خطی استفاده گردید، برآوردهای مربوط به تحلیل رگرسیون در جدول زیر گزارش شده است: برآورد رگرسیون اثر خشونت بین والدین بر بلوغ جنسی زودرس

مدل	R	ضریب تعیین		خطای معیار
		ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	
	۰/۳۲	۰/۱۰	۰/۱۰	۰/۲۹
رگرسیون باقیمانده کل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F
	۳/۸۸	۱	۳/۸۸	
	۳۳/۴۳	۳۹۷	۰/۰۸	۴۶/۱۰
	۳۷/۳۱	۳۹۸	-	۰/۰۰۱
مدل	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	
	B	خطای معیار	Beta	T
مقدار ثابت	۳/۳۳	۰/۰۵	-	۷۲/۷۴
				۰/۰۰۱

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: الف. متغیر خشونت بین والدین ۱۰ درصد از واریانس متغیر بلوغ جنسی زودرس را تبیین می‌کنند. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار ضعیف برآورد می‌شود، به عبارت دیگر این متغیر در حد ضعیف توان تبیین واریانس متغیر بلوغ جنسی زودرس را دارد. ب. اثر متغیر خشونت بین والدین بر بلوغ جنسی زودرس برابر با مقدار ۰/۳۲ و در سطح (Sig \leq ۰/۰۵) معنادار است. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اثر متغیر خشونت بین والدین بر بلوغ جنسی زودرس تأیید می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر می‌توان گفت اثر این متغیر مستقیم و در حد ضعیف است.

خشونت علیه فرزندان بر بلوغ جنسی زودرس دختران تأثیر دارد.

برای آزمون فرضیه بالا از رگرسیون خطی استفاده گردید، برآوردهای مربوط به تحلیل رگرسیون در جدول زیر گزارش شده است: برآورد رگرسیون اثر خشونت علیه فرزندان بر بلوغ جنسی زودرس

مدل	R	ضریب تعیین		خطای معیار
		ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	
	۰/۲۴	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۳۰
رگرسیون	مجموع مربعات	میانگین مربعات		Sig
		درجه آزادی	F	
		۲/۱۲	۱	
باقیمانده	۳۵/۱۹	۰/۰۸۹	۳۹۷	۰/۰۰۱
کل	۳۷/۳۱	-	۳۹۸	
مدل	ضرایب غیراستاندارد		Sig	T
	B	Beta		
مقدار ثابت	۳/۳۶	۰/۰۵	۰/۰۰۱	۶۰/۹۵
خشونت علیه فرزندان	۰/۱۲	۰/۰۳	۰/۰۰۱	۴/۸۹

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: الف. متغیر خشونت علیه فرزندان ۵ درصد از واریانس متغیر بلوغ جنسی زودرس را تبیین می‌کنند. با توجه به مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار ضعیف برآورد می‌شود، به عبارت دیگر این متغیر در حد ضعیف توان تبیین واریانس متغیر بلوغ جنسی زودرس را دارد. ب. اثر متغیر خشونت علیه فرزندان بر بلوغ جنسی زودرس برابر با مقدار ۰/۲۴ و در سطح (Sig \leq ۰/۰۵) معنادار است. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اثر متغیر خشونت علیه فرزندان بر بلوغ جنسی زودرس تأیید می‌شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر می‌توان گفت اثر این متغیر مستقیم و در حد ضعیف است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق بررسی ارتباط خشونت خانگی با بلوغ زودرس دختران سطح اول متوسطه شهر شیراز بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: اهمیت نوع رفتارهای والدین، خیلی جوان بودن سن والدین یا خیلی بالا بودن سن آنها نسبت به دختران، میزان تحصیلات والدین، شلوغی جمعیت خانواده، ضعف والدین در تربیت فرزندان، عدم آگاهی از مشکلات آنها بر خشونت روی کودکان تاثیر داشته است. مجموع میزان خشونت پدران به طور متوسط اندکی بیش از خشونت جسدانی است و در نهایت خشونت و نزاع می‌شود و با توجه و سهم خشونت عاطفی و بی توجهی بیشتر از سهم خشونت جسمانی است و در نهایت خشونت و نزاع و کتک کاری بین والدین بیشتر رخ داده و تاثیر بیشتری بر بلوغ زودرس کودکان داشته است بهروزی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود دریافتند که خشونت عاطفی دارای اثر مستقیم و معناداری بر رفتار پرخاشگرانه و مدیریت خشم بود اما خشونت فیزیکی تنها دارای اثر مستقیم بر رفتار پرخاشگرانه بود همچنین همدلی و رابطه والد فرزند به عنوان واسطه بین خشونت فیزیکی و خشونت عاطفی با مدیریت خشم و رفتار پرخاشگرانه قرار گرفتند.

پناهی و همکاران، (۱۳۹۳) قوی‌ترین رابطه صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده با تأمین نیازهای خانواده از همچنین استقلال اعضای خانواده انسجام خانواده و حاکمیت ارزش‌های اخلاقی اسلامی در خانواده از دیگر متغیرهایی هستند که رابطه معنادار و نسبتاً قوی با صمیمیت و همدلی بین اعضای خانواده دارد. خوشابی و همکاران (۱۳۸۷) آزار عاطفی نسبت به آزار جسمی بیشتر اتفاق افتاده و رابطه معناداری میان جنسیت دانش‌آموزان منطقه محل زندگی تحصیلات والدین شغل والدین و طلاق والدین با شیوع کودک‌آزاری وجود دارد. کفاشی (۱۳۸۹) نظم در خانواده اثر کاهنده و مؤثری روی خشونت علیه کودکان دارد. معرف‌های نظم در خانواده به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از همدلی، همگامی، همفکری و هم‌بختی. مهم‌ترین معرف‌های خشونت به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از کتک زدن، تهدید کردن و کم‌محبوبی، توهین کردن و محروم کردن از بازی، بی‌اعتنایی و پول ندادن، هل دادن و مسخره کردن در حضور جمع، وادار کردن به کار به رغم میل کودک، داد زدن و اخراج کردن کودک، فرماندهی و همکاران (۱۳۹۶) سطح افسردگی اضطراب و استرس و نیازهای خودمختاری وابستگی و ارتباط بین والدین کودک‌آزار و والدین عادی به‌طور معناداری متفاوت بودند یافته‌های این پژوهش شواهدی را پیشنهاد کردند که مشکلات عاطفی و نیازهای روان‌شناختی والدین در بروز پدیده کودک‌آزاری والدین نقش دارند. چلبی و همکاران، (۱۳۸۱) متغیر نظم و تضاد در خانواده به ترتیب اهمیت اثرات مؤثر و معناداری بر خشونت علیه کودکان در خانواده‌ها دارند.

نصیری و همکاران (۱۳۸۱) بین دیدگاه‌های نوجوانان و والدین در رابطه با مشکلات ارتباطی نوجوانان و والدین در زمینه‌های استقلال‌طلبی، بلوغ جنسی و کسب شخصیت نوجوانان اختلاف معنی‌داری وجود دارد. با توجه به تحقیقات انجام شده و نظریات مرتبط با موضوع و به لحاظ آماری مشخص شد که با کاهش درآمد والدین میزان خشونت علیه کودکان افزایش می‌یابد همچنین میزان خشونت علیه کودکان در خانواده‌هایی که والدین کودکان تحصیلات پایین‌تری دارند خشونت بیشتری نسبت به کودکان خود دارند و همچنین با افزایش سن والدین نیز میزان خشونت علیه کودکان افزایش می‌یابد این نتایج نشان می‌دهد که خشونت علیه کودکان در خانواده‌های شیرازی بیش از آنکه ناشی از متغیرهای زمینه‌ای باشد ناشی از عوامل رابطه‌ای در خانواده می‌باشد مهمترین معرف‌های خشونت در کتک زدن تهدید کردن بیشتر بین والدین و کمتر بر علیه کودکان وجود داشته است خشونت‌هایی چون کم‌محبوبی، توهین کردن، محروم کردن از بازی، بی‌اعتنایی و پول ندادن هول دادن مسخره کردن در حضور دیگران، وادار کردن به کار به رغم میل فرد، زندانی کردن در اتاق، داد زدن بیشتر، وجود داشته و بر بلوغ زود رس تاثیر معنی‌داری داشته است که خود باعث و پایین آمدن سن بلوغ نوجوانان گردیده که می‌تواند ما را به سمت وجود یک خطر اجتماعی سوق دهد که

لذا می بایستی این موضوع را بسیار جدی گرفت (مایون، ۵، ۲۰۲۱). با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌گردد که مدارس با برگزاری کلاسها و کارگاهایی برای دانش آموزان و والدین آنها را جهت درک متقابل از یکدیگر و بازگویی شرایط جهت تاثیر خشونت در خانواده جهت آگاه سازی هم والدین و هم دانش آموزان گامی جهت بهبود شرایط برداشته شود.

منابع:

شفرز، برنهارد (۱۴۰۰)، مبانی جامعه‌شناسی جوانان، ترجمه کرامت‌اله راسخ، چاپ چهاردهم، تهران: نشر نی.

دورکیم، امیل (۱۳۸۳). صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.

Abels, H., ۱۹۹۳, Jugend vor der Moderne. Soziologische und Psychologische Theorien des ۲۰. Jhs., Opladen.

Ausubel, D. P., E. V. Sullilvan, (۱۹۷۴), Das Kindesalter. Fakten. Probleme, Theorie, München (orig. amerik. ۱۹۷۰).

Baacke, D. ۱۹۹۱, Die ۱۳-۱۸jaehrigen. Einfuehrung in Probleme des Jugendalters, Muenchen (۲. erw. Aufl.).

Bahrtdt, H.P., ۱۹۷۴, Umweltefahrung, Muenchen.

Beck, U., ۱۹۸۶ (u. oe), Risikogesellschaft. Auf dem Weg in eine andere Moderne, Frankfurt.

Beck, U., ۱۹۹۵, Die "Individualisierungsdebatte", in: B. Schaefers, Hg., Soziologie in Deutschland, Opladen, S. ۱۸۵-۱۹۹.

- Bernfeld, S., Ueber den Begriff der Jugend, Diss. Wien ۱۹۱۴/۱۵.
- Blos, P., ۱۹۷۳, Adoleszenz. Eine psychoanalytische Interpretation, Stuttgart (orig. engl. ۱۹۶۲).
- Blos, P., ۱۹۷۷, Der zweite Individuierungs-Prozess der Adoleszenz, in: R. Doebert et. al., ۱۹۷۷.
- Buehler, Ch. ۱۹۲۲, Zwei Maedchentagebuecher, Jena ۱۹۲۷.
- Doebert, R., J. Habermas, G. Nunner-Winkler, (Hg.), ۱۹۷۷, Entwicklung des Ichs, Koeln ۱۹۷۷(□□□□□□□□□□ □□. ۱۹۸۰).
- Erikson, E.H., ۱۹۷۷, Identitaet und Lebenszyklus. Drei Aufsaezte, Frankfurt (orig. amerik. ۱۹۵۹).
- Gillis, J.R., ۱۹۸۰, Geschichte der Jugend. Tradition und Wandel der Altersgruppen und Generationen in Europa von der zweiten Haelfte des ۱۸. Jhs. bis zur Gegenwart. Aus dem Amerik. uebertragen und hrsg. von U. Herrmann und L. Roth, Weinheim und Basel (۲. Aufl. ۱۹۸۴).
- Hagemann-White, Carol, ۱۹۸۴, Sozialisation: maennlich – weiblich? Alltag und Biografie von Maedchen, Bd. ۱, Opladen.
- Heitmeyer, W., u.a., ۱۹۹۳, Die Bielefelder Rechtsextremismus-Studie. Erste Langzeiluntersuchung zur politischen Sozialisation maennlicher Jugendlicher, Weinheim/Muenchen (۱۹۹۲).
- Kloenne, A., ۱۹۹۰, Hitlerjugend. Die Jugend und ihre Organisation im Dritten Reich, Hannover und Frankfurt.
- Kuehnel, W., ۱۹۹۰, Der Lebenszusammenhang DDR-Jugendlicher im Spannungsfeld von institutioneller Verregelung und alltagskultureller Modernisierung, in: ZSE, ۱. Beiheft ۱۹۹۰, S. ۱۰۵-۱۱۴.
- Luckmann, T., ۱۹۹۱, die unsichtbare Religion, Frankfurt (zuerst dt. Freiburg ۱۹۶۳ unter anderm Titel; dann engl. ۱۹۶۷; The Invisible Religion).
- Luckmann, T., H. Doering, P. M. Zulehner, ۱۹۸۱, Anonymitaet und persoenliche Identitaet, in: Christlicher Glaube in Moderner Gesellschaft, Teilband ۲۵, Freiburg et. al., S. ۶-۳۸.
- Luckmann, Th., ۱۹۸۸, Persoenliche Identitaet und Lebenslauf, in: Brose/Hildenbrand (Hg.), Vom Ende des Individuums zur Individualisierung ohne Ende., Opladen, S. ۷۳-۹۰.
- Mead, M., ۱۹۵۸, Mann und Weib. Das Verhaeltnis der Geschlechter in einer sich wandelnden Welt, rde Bd. ۶۹/۷۰.
- Mitterauer, M., ۱۹۸۶, Sozialgeschichte der Jugend, Frankfurt.
- Plessner, H., ۱۹۷۶, Die Frage nach der Conditio humana. Aufsaezte zur philosophischen Anthropologie, Frankfurt (Suhrkamp TB ۳۶۱).
- Rassem, M., ۱۹۷۵, Entdeckung und Formierung der Jugend in der Neuzeit, in: Jugend in der Gesellschaft. Ein Symposium, dtv Bd. ۱۰۶۳, S. ۹۸-۱۱۷.
- Riesman, D., ۱۹۵۸, Die einsame Masse. Eine Untersuchung der Wandlungen des amerikanischen Charakters, rde Bd. ۷۲/۷۳ (orig. amerik. ۱۹۵۰).
- Roesenmayr, L., ۱۹۷۶, Jugend, in: R. Koenig, (Hg.), Handbuch der empirischen Sozialforschung Bd. ۶, Stuttgart (۲. Voellig neubearb. Aufl.).
- Rosenmayr, L., ۱۹۷۶, Zur theoretischen Neuorientierung der Jugendsoziologie, in: K.R. Allerbeck, L. Rosenmayr, (Hg.), Aufstand der Jugend? Neue Aspekte der Jugendsoziologie, Muenchen.
- Schacht, L., ۱۹۷۵, Psychologische Probleme und Krisen Jugendlicher, in: H. und H. Reimann (Hg.), a.a.O., S. ۱۴۱-۱۵۶.

Schenk, H., ۱۹۷۹, Geschlechtsrollenwandel und Sexismus. Zur Sozialpsychologie geschlechtsspezifischen Verhaltens, Weinheim und Basel.

Scherr, A., ۱۹۹۴, Individualisierung bei Jugendlichen, in: GEGENWARTSKUNDE; Jg. ۴۳.

Schechter, and Ganley, D. (ed.) (۱۹۹۰) Women and Male Violence: The Visions and struggle of the Battered women's Movement. Boston: South End.

Seifert, M.J., ۱۹۸۸, Jugendsekten in modernen Industriegesellschaften, in: F. X. Kaufmann/B. Schaefer, Hg., Religion, Kirche und Gesellschaft in Deutschland, a.a.O., S. ۱۸۳-۱۹۹.

Sigelman, Carol L. Shaffaer, David R. (۱۹۹۱, ۱۹۹۰). Life span Development California :Brooks/Cole.

Baqer, G., Kheiri, R., & Ensieh, M. (۲۰۲۱). The effect of virtual networks on precocious puberty and its consequences on physical and mental health of first grade high school students in Bushehr. *Islamic Studies in the Field of Health*, 5(۲), ۲۰-۳۶. (In persian)

Chen, T., Lu, Y., Wang, Y., Guo, A., Xie, X., Fu, Y., Shen, B., Lin, W., Yang, D., & Zhou, L. (۲۰۱۹). Altered brain structure and functional connectivity associated with pubertal hormones in girls with precocious puberty. *Neural Plasticity*, 20(۱۲), ۱-۱۰.

Fu, Y., Zhang, W., Tao, B., Yang, B., Yang, D., Xie, X., Liu, P., Zhu, Y., Zhou, L., & Chen, T. (۲۰۲۰). Gray Matter Differences Between Premature Pubertal Girls With and Without the Reactivation of the Hypothalamic—Pituitary-Gonadal Axis. *Frontiers in Psychiatry*, 11(7), ۷۸۴.

Gholami, N., Azadi, A., & Bakhshai, A. (۲۰۲۰). "Girls' lived experience of precocious puberty: a qualitative study". *Thought and Behavior in Clinical Psychology*, 15(۰۷), ۶۷-۷۰. (In persian)

Iranmehr, M., Shafiabadi, A., & Naeimi, E. (۲۰۱۸). The qualitative study of the pathology of virtual social networks on the mental health of students (from the perspective of school counselors. *Culture of counseling and psychotherapy*, 9(۳۳), ۴۳-۷۳. (In persian)

Keramati Moez, H., Alipour, H., Sheidaei, M., & MirKhalili, S. M. (۲۰۱۹). Linking the tendency to virtual social networks and adolescent victimization (a case study of students between ۱۲ and ۱۵ years old in the fifth district of Tehran). *International Legal Research*, 12(۴۰), ۱-۲۷. (In persian)

Khan, L. (۲۰۱۹). Puberty: onset and progression. *Pediatric annals*, 48(۴), ۱۴۱-۱۴۰.

Lee, J., Kwak, M. J., & Ju, H. O. (۲۰۱۹). Effect of a social support program for mothers of children with precocious puberty: a preliminary quasi-experimental study. *Journal of Pediatric Nursing*, 46(۱۲), ۲-۹.

Maione, L., Bouvattier, C., & Kaiser, U. B. (۲۰۲۱). Central precocious puberty: Recent advances in understanding the aetiology and in the clinical approach. *Clinical Endocrinology*, 95(۴), ۵۴۲-۵۵۵.

Mostafa, M., Zahra, E. N., Ali, D., & Asia, M. (۲۰۱۷). The effect of puberty health education on general awareness and health of middle school girls in Ghaen city. *Iranian Journal of Nursing Research*, 12(۲), ۲۸-۳۷. (In persian)

Negar, B., & Fatemeh, M. (۲۰۱۷). The effect of social networks on precocious puberty in children. International Conference on Psychology, Counseling, Education, Mashhad. (In persian)

Olgun, E. G., Cetin, S. K., Siklar, Z., Aycan, Z., Ozsu, E., Ceran, A., & Berberoglu, M. (۲۰۲۱). Investigation of early puberty prevalence and time of addition thelarche to pubarche in girls

- with premature pubarche: two-year follow-up results. *Clinical Pediatric Endocrinology*, 12(۳), ۲۱-۳۰.
- Pallavee, P., & Samal, R. (۲۰۱۸). Precocious puberty: A clinical review. *International Journal of Reproduction, Contraception, Obstetrics and Gynecology*, 7(۳), ۷۷۱-۷۷۷.
- Perry, J. R. B., Murray, A., Day, F. R., & Ong, K. K. (۲۰۱۵). Molecular insights into the aetiology of female reproductive ageing. *Nature Reviews Endocrinology*, 11(۱۲), ۷۲۵-۷۳۴.
- Schoelwer, M. J., Donahue, K. L., Didrick, P., & Eugster, E. A. (۲۰۱۷). One-year follow-up of girls with precocious puberty and their mothers: do psychological assessments change over time or with treatment? *Hormone research in paediatrics*, 88(۵), ۳۴۷-۳۵۳.
- Shadeh, N., Sajjadi, Z., & Sadat, M. (۲۰۲۱). The effects of media on the identity of children and adolescents. *Islamic Studies on Gender and Family*, 4(۶), ۶۷-۸۶. (In persian)
- Sultana, N., Afsana, F., Akhtar, N., Aktar, Y., Amin, M. F., Chowdhury, S., Emran, S. M., Hasan, A. B. M. K., Hossain, T., & Khan, M. A. (۲۰۲۲). Precocious puberty: diagnosis and management. *BIRDEM Medical Journal*, 12(۱), ۶۲-۶۹.
- Williams, V. S. L., Soliman, A. M., Barrett, A. M., & Klein, K. O. (۲۰۱۸). Review and evaluation of patient-centered psychosocial assessments for children with central precocious puberty or early puberty. *Journal of Pediatric Endocrinology and Metabolism*, 31(۵), ۴۸۵-۴۹۵.
- Ying, Y., Tang, J., Chen, W., Cai, Z., & Niu, W. T. (۲۰۱۷). GnRH agonist treatment for idiopathic central precocious puberty can improve final adult height in Chinese girls. *Oncotarget*, 8(۶۵), ۱۰۹۰۶۱.
- Baqer, G., Kheiri, R., & Ensieh, M. (۲۰۲۱). The effect of virtual networks on precocious puberty and its consequences on physical and mental health of first grade high school students in Bushehr. *Islamic Studies in the Field of Health*, 5(۲), ۲۵-۳۶. (In persian)
- Chen, T., Lu, Y., Wang, Y., Guo, A., Xie, X., Fu, Y., Shen, B., Lin, W., Yang, D., & Zhou, L. (۲۰۱۹). Altered brain structure and functional connectivity associated with pubertal hormones in girls with precocious puberty. *Neural Plasticity*, 20(۱۲), ۱-۱۰.
- Fu, Y., Zhang, W., Tao, B., Yang, B., Yang, D., Xie, X., Liu, P., Zhu, Y., Zhou, L., & Chen, T. (۲۰۲۰). Gray Matter Differences Between Premature Pubertal Girls With and Without the Reactivation of the Hypothalamic—Pituitary-Gonadal Axis. *Frontiers in Psychiatry*, 11(7), ۷۸۴.
- Gholami, N., Azadi, A., & Bakhshaish, A. (۲۰۲۰). "Girls' lived experience of precocious puberty: a qualitative study". *Thought and Behavior in Clinical Psychology*, 15(۵۷), ۶۷-۷۵. (In persian)
- Iranmehr, M., Shafiabadi, A., & Naeimi, E. (۲۰۱۸). The qualitative study of the pathology of virtual social networks on the mental health of students (from the perspective of school counselors. *Culture of counseling and psychotherapy*, 9(۳۳), ۴۳-۷۳. (In persian)
- Keramati Moez, H., Alipour, H., Sheidaei, M., & MirKhalili, S. M. (۲۰۱۹). Linking the tendency to virtual social networks and adolescent victimization (a case study of students between ۱۲ and ۱۵ years old in the fifth district of Tehran). *International Legal Research*, 12(۴۵), ۱-۲۷. (In persian)
- Khan, L. (۲۰۱۹). Puberty: onset and progression. *Pediatric annals*, 48(۴), ۱۴۱-۱۴۵.
- Lee, J., Kwak, M. J., & Ju, H. O. (۲۰۱۹). Effect of a social support program for mothers of children with precocious puberty: a preliminary quasi-experimental study. *Journal of Pediatric Nursing*, 46(۱۲), ۲-۹.

- Maione, L., Bouvattier, C., & Kaiser, U. B. (۲۰۲۱). Central precocious puberty: Recent advances in understanding the aetiology and in the clinical approach. *Clinical Endocrinology*, 95(۴), ۵۴۲-۵۵۵.
- Mostafa, M., Zahra, E. N., Ali, D., & Asia, M. (۲۰۱۷). The effect of puberty health education on general awareness and health of middle school girls in Ghaen city. *Iranian Journal of Nursing Research*, 12(۲), ۲۸-۳۷. (In persian)
- Negar, B., & Fatemeh, M. (۲۰۱۷). The effect of social networks on precocious puberty in children. International Conference on Psychology, Counseling, Education, Mashhad. (In persian)
- Olgun, E. G., Cetin, S. K., Siklar, Z., Aycan, Z., Ozsu, E., Ceran, A., & Berberoglu, M. (۲۰۲۱). Investigation of early puberty prevalence and time of addition thelarche to pubarche in girls with premature pubarche: two-year follow-up results. *Clinical Pediatric Endocrinology*, 12(۳), ۲۱-۳۰.
- Pallavee, P., & Samal, R. (۲۰۱۸). Precocious puberty: A clinical review. *International Journal of Reproduction, Contraception, Obstetrics and Gynecology*, 7(۳), ۷۷۱-۷۷۷.
- Perry, J. R. B., Murray, A., Day, F. R., & Ong, K. K. (۲۰۱۵). Molecular insights into the aetiology of female reproductive ageing. *Nature Reviews Endocrinology*, 11(۱۲), ۷۲۵-۷۳۴.
- Schoelwer, M. J., Donahue, K. L., Didrick, P., & Eugster, E. A. (۲۰۱۷). One-year follow-up of girls with precocious puberty and their mothers: do psychological assessments change over time or with treatment? *Hormone research in paediatrics*, 88(۵), ۳۴۷-۳۵۳.
- Shadeh, N., Sajjadi, Z., & Sadat, M. (۲۰۲۱). The effects of media on the identity of children and adolescents. *Islamic Studies on Gender and Family*, 4(۶), ۶۷-۸۶. (In persian)
- Sultana, N., Afsana, F., Akhtar, N., Aktar, Y., Amin, M. F., Chowdhury, S., Emran, S. M., Hasan, A. B. M. K., Hossain, T., & Khan, M. A. (۲۰۲۲). Precocious puberty: diagnosis and management. *BIRDEM Medical Journal*, 12(۱), ۶۲-۶۹.
- Williams, V. S. L., Soliman, A. M., Barrett, A. M., & Klein, K. O. (۲۰۱۸). Review and evaluation of patient-centered psychosocial assessments for children with central precocious puberty or early puberty. *Journal of Pediatric Endocrinology and Metabolism*, 31(۵), ۴۸۵-۴۹۵.
- Ying, Y., Tang, J., Chen, W., Cai, Z., & Niu, W. T. (۲۰۱۷). GnRH agonist treatment for idiopathic central precocious puberty can improve final adult height in Chinese girls. *Oncotarget*, 8(۶۵), ۱۰۹۰۶۱.